

برخی از خانواده های خوشنویس کابل در یک سده اخیر

محمد ناصر طه‌پوری



سید حمایت الله حسینی



سید محمد ایشان حسینی



سید محمد داوود حسینی

خوشینو یسی، هنر یست د پدیر ویرینه که در سر زمین ما ن. قا۔
فله های فراوان، این را ه راسپر دند و هنر مندان گوناگون این
اقلیم گسترده، استعداد و توانایی خویشتن را آزمودند.

از متن، کتا بها، تارواق مسجدها، از نوشتن فرمانها و رسایل
تا پرداختن قطعه ها، گنجینه عظیمی از خوشنویسی در کف
بوده و دریغ است که این درخت برومند، بخشکد و این چراغ
فروغندک، خاموش گردد.

هنر خط، از دیر باز در کشورها رونق داشته است، خط عربی
و خط فارسی - دری در ذات خود، یک پدیده هنریست.

سه گونه خط: (تعلیق، نستعلیق و شکسته) محصول تلاشها هنری
مردم خراسان نزمین میباشند که آنها را ساخته و پرداخته و بافته اند.

هنر خط، در پر توضو ابط و قواعدیکه به خود گرفته است، زیبایی
خود را تنها رزمیدهد و اندازه و زوای هندسی تناظر و سطح
و دوران زیبایی و یژه یی به آن میدهد و در موزیمهای جهان: این
پدیده ها، پیدایی و جلوه خاصی دارند.

هنر خط، در تمام شهرهای خراسان قدیم، به گونه یی و سلیقه یی تبارز نموده و دکابل از صد سال به این طرف، تجلی ویژه یی داشته است، در دورامیر عبدالرحمان، انبوه ساکنان خوشنویس، نه تنها قطعاً متبل کتابها نوشته اند که درابلزمین نموداری از بهضمت گسترش هنرخط میباشد.

من از میان انبوه هنرآفرینان این هنرشناسا، زنده گینامه تنی چند از خوشنویسان و خطنویسان کابلی را ورق خواهم زد که در این قلمرو، راه درازی را نور دیده اند و حق گران بر گردن خواننده گان خط و هنر دارند.

از گروه خوشنویسان کابل، از محمد علی تائب، صفوی عبدالحمید، میرزا محمد یعقوب کابلی، منشوی حیدر علی، فیض کابلی، ملا فیض محمد و ابراهیم خلیل بایند نازیرد. استان عزیزالدین و کیلی پوپلزی از پرکارترین خوشنویسان این سرزمین تاریخت و هم سایر جوانان خوشنویسی عرض و جود نموده اند که نامهای همه هنرمندان جوان در این نوشته، نمیگنجد.

چون هنر خط و کمال و جمال این هنر، از ذوق سرشار و عشق ویژه یی برخوردار است، مشق و ممارست زیاده می خواهد و هنرمند، آنگاه به بلوغ هنری میرسد که از راه بزگداشت و تشویق بتواند هنر خود را آفاق بسازد، از این رو، بسا خطاطان بزرگی داشته ایم که عمر خود را بهزیبایی و آفرینش هنر خطاطی، سپری نموده اند، رنج فراوان برده اند و سود اندک گرفته اند، ما، در کابل، کمتر با خاواده های بی بر میخوریم که تمام اعضای آنها، این هنر را پی ریزی و دنبال کرده باشند. سید عطا محمد شاه و پسترا نشن، سید فاروق و سید عثمان هر دو خطاطان چیره دستی بودند در کابل، زنده گنی می کردند، اما به «قند هاری» منسوب میباشند. و ما از خاواده جلیل القدر حسینی نام میبریم که از کابل میباشند و چراغ هنر خط را یکی به دست دیگری از جگرگوشه های خود سپرده اند.

دودمان سید اسماء عیال حسینی کابلی:

روا نشاد سید اسماء عیال حسینی که از خو شنو یسان نا می زمان خود به شما در میرفت، در نوشتن خط نسخ: مهارت بسزایی داشت. چنانچه استاد فکری سلجوقی در کتاب (ذکر برخی از خو شنو یسان و هنرمندان) خویش که اصلاً تعلیقاً تیسست بر ((دیباچه - دو ست محمد هروی)) مینویسد:

((مرحوم آقا سید اسماء عیال مریدی عالم و سید بز رگوار ری بود که در خط نسخ، به شیوه میرزا احمد نیز یزی و آقا ابراهیم قمی در نهایت متانت و صفاهینوشت...)) (۱).

سید اسماء عیال حسینی را دو فرزند برومند بود به نامهای سید محمد ایشان حسینی و سید محمد داوود حسینی که مو صوف در راه پرویش و رشد استعداد آن دو پسرش، از هیچگونه سعی و تلاشی دریغ نکرد.

او نخست، فرزندان خود را زیر نظر خویش پرویش داد و آن دو پسر از جمله شایسته هنر خطاطی و خوشنویسی، آشنا ساخت، اما از آنجا که مرد دقیق النظر و آینده اندیشی بود، بر آن شد تا هر دو فرزندش را به شاگردی خوشنویس نامدار کشور «استاد سید عطاء محمد حسینی قندهاری» بگمارد تا به فحوای این مصراع معروف ((جو استاد، به زمر پدر، مهر پدریش از مشقت مشق و تمرین آن دو، در آموزش خوشنویسی نگاهد.

و بدینگونه بود که سید محمد ایشان حسینی (برادر بهتر) و سید داوود حسینی (برادر کمتر) از برکت رهنمایی های پدر و استاد هنر پرورشان در هنر خوشنویسی به نام و نشان پرارجی رسیدند. بهتر آن باشد که نخست یادنامه کوتاهی را در باره زندگی پر بار فرهنگی و اجتماعی و کارکرد های استاد سید محمد ایشان حسینی بر خوانیم:

استاد سید محمد ایشان حسینی:

تا ریخ دقیق تولد آن خوشنویس نامدار کشور را به دست آورده نتوانستیم، اما از روی تخمینی که استاد عزیز این وکیلی پوپلزی در کتاب (هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر) (۱) نموده است، باید سید محمد ایشان حسینی، در سال ۱۲۶۷ هجری خورشیدی چشم به جهان گشوده باشد.

همکاری مطبوعاتی و فرهنگی سید محمد ایشان در بخش خطی و خوشنویسی، نخست در سراج لاجورد افغانیه ادر بردید. پس از استرداد استقلال میهن عزیز، او به شغل ها و وظایف گوناگونی گماشته شد، مانند سر کتابت مطبعه، دایره تحریرات دربار و مجلس عالی وزراء و دیگر وظایف. از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۶ هجری خورشیدی، در مطبعه ماشینخانه شرکت رفیق و مطبعه کاظمی کار کرد و در سال ۱۳۰۶ خورشیدی که مطبعه نوت و سکوک در باغ ازگک به کار و تولید پرداخت، او به حیث عضو فنی آن مطبعه مقرر شد. افزون بر هنر خوشنویسی، وی گاهگاهی در هیئت ترنینهای واداری آن مطبعه را نیز به دوش می گرفت. در ماه عقرب سال ۱۳۰۸ خورشیدی که مصبعه عمومی نا بل تا زه روی کار آمده بود، سید محمد ایشان حسینی را به خاطر فعالیت ها و کار کردهای پیشین وی، به حیث معاون اول ریاست عمومی مطابع گماشتند و دوبار در هنگام سفر صوفی عبدالحمید ((زنگراف)) رئیس مطابع به خارج کشور، سرپرستی امور فنی واداری ریاست مطابع را نیز به دوش گرفت.

وظیفه معاونیت مطابع را تا پایان سال ۱۳۱۸ خورشیدی، به دوش داشت و در آغاز روی کار آمدن ریاست مستقل مطبوعات (در ماه قوس ۱۳۱۸ هجری خورشیدی) به وزارت معارف تبدیل گردید و سال های درازی به حیث آموزگار حسن خط و استاد خوشنویسی در مکتب صناع نفیسه دارا لمعلمین، مکتب ابن سینا و سایر مکاتب شهر و مرکز وزارت کارهای ارزشمند را به سر رسانید.

سید محمد ایشان حسینی در هنر خطاطی و خوشنویسی، زحمات زیادی کشیده و خدمات فرهنگی در خور توجهی را انجام داده است، موصوف خط ثلث و خط نسخ را خیلی زیبا و جالب مینویشته و در پیشبرد امور خوشنویسی، تلاش و بیکار خسته گی ناپذیری داشته است.

استاد فکری سلجوقی مینگارد:

((سید محمد ایشان خط نستعلیق را روشن می نویسد، اما خط ثلث و نسخ را نهایت صفا و محکم مینگارد و جناب سید ایشان را فرزندی برومند بود به نام سید محمد صدیق که نستعلیق را عالی مینوشت و امید میرفت که در آن فن، بی نظیر شود، در یفا که آن نهال نورس مستعد، شگوفه هنر هایش، به ثمر نرسید و تنه باد اجل، نخل قا متش را از یاد آورد و به خاک افکند...)) (۳)

هرگاه بیشتر ورقهای چاپ شده مطبوعات کابل دیده شود، خط زیبای ثلث و نسخ استاد سید محمد ایشان حسینی، جلوه نمایی می کند.

او افزون بر خوشنویسی، درجدول کشی و اصول طباعت و صحافت که ویژه خوشنویسان فنی مطابع است، لیاقت و مهارت کامل داشته است.

یکی دیگر از ویژه گیهای کار آن نشاد، این بود که خط خوش را به سرعت مینوشت. استاد عزیز الدین پوپلزی می نویسد:

((ازین حقیقت نباید انحراف ورزید که بعد از ارتحال حسن حلمی و عطاء محمد حسینی و میرزا محمد یعقوب، کسانی که نگذاشتند بشیرالزه حسن خط و صحافت و تزیینات اساسی در مروسه سال اخیر (البته منظور شان تا سال ۱۳۴۲ خورشیدیست که سال تالیف و چاپ کتاب شان میباشد) در افغانستان از دست زدو از هم بگسلد. اندازۀ فعالیت و اشتراک مساوی جدی همین دو برادر (سید محمد ایشان حسینی و سید محمد دوو د حسینی) و صوفی عبدالحمید شیخ محمد رضا بود که یقیناً اینها نت را به نو به خود شان در

نیمه یک قرن حفظ کردند و نگاشتند و قفہ یی از این رهگذر در
سیر تدوین خط و کتابت، ریخته شد. (۴)

استاد سید محمد ایشا ن تاپایان مهر، دست از هنر خوشنویسی
بر نداشت و از آموختن این هنر به شاگردان معارف و دیگر
علاقه مندان خوشنویسی دریغ نکرد و در نوشتن بیشتر اوراق
کتب و رسایل آن زمانه فعلاً به رسم گرفت و افزون بر نوشتن
صد ها ورق از کتابها و رساله ها و فرمانها بیش از سه صد
قطعه خط هنری را نوشت که بیشتر آنها نزد دوستان و
دلبسته گان این هنر، همچون امانتی گرانبها نگهداشته می-
شود.

در صفحه ۱۳۹ سالنامه کا بل (سال ۱۳۱۴ هجری خورشیدی)
نموده یی از خط کوفی طغرای شاد روان سید محمد ایشا ن حسینی
به چشم میخورد که کلمه شریفه طیب به شکل دایره در آن نوشته
شده است و در صفحه ۱۴۰ همان سالنامه، نمونه خط طغرای شان
چاپ گردیده که باز هم شکل دایره دارد و در آن ((یا مرتضی-
علی)) نوشته شده است.

این مرد دانشمند و خوشنویس چیره دست، در ماه قوس
سال ۱۳۵۸ هجری خورشیدی چشم از جهان بست، در حالیکه
آثار پرار ج و گرانبها یش، یاداورا و خاطره او را همیشه زنده
نگه میدارد. روا نشن شاد باد.

استاد سید محمد ایشا ن حسینی دو پسر و دو دختر داشت:
پسرا نشن (سید محمد سعید حسینی و سید محمد صدیق حسینی)
هر دو از خوشنویسان دور خوش یشت بوده اند.
اما هر دو در زمان زنده گانی پدر خوش یشت از جهان رفتند. این
دو تن، سالهای زیادی در لیسه های استقلال و حبیبیه، به حیث
استادان خوشنویسی و ادبیات تدریس می کردند.
نگارنده به خاطر کمبود وقت، برای گردآوری این شناسنامه
سنا مه، هائوا نیست زنده گینامه این دو خوشنویس

را به گونه گسترده تمییه و تقدیم نماید ، امید است هنر دوستان
بز رگوار این کو تا هیشش راببخشند
استاد سید محمد داوود حسینی:

سید محمد داوود حسینی، دو مین پسر روانشاد سید محمد اسماعیل
عیل حسینی و برادر کهنتر استاد سید محمد ایشا ن حسینیست که
در نوشتن خط نستعلیق و خط شکست ، به مهارت و استادی
رسیده بود ، هر چند مو فق به در یافت تا ریخ دقیق تولد آن
خوشنویسن نامدار نیز نگر دیلم، ولی باز هم قرار تخمینی که محترم
استاد پو پلز ایی نموده است، باید آن روا نشاد در سال ۱۲۷۲ هجری
خورشیدی چشم به جهان گشوده باشد. (۵)

او از همان آوان گو د کی نزدیک ر هنر پرو د ش به مشق و تمرین
خوشنویسی پرداخت و سپس نزد سید اعطاء محمد حسینی قندهاری
به خاطر آمو ز ش خو بتر با علاقه فراوان زانو زد. او در خوشنویسی
و هنر خطاطی به درجه یی رسید که یکی از سخنان آن
زمان در ستایش خوشنویسی او چنین سرود:
(خط داوود ماز شیوه خوب

به خط میر عماد مانند است))

(هر چند که در مصراع دوم این بیت واژه (میر) از نگاه و زن عرو-
ضی، به خاطر داشتن يك حرف زاید، ثقلات دارد، ولی نظر به این
که بیا نگر احساس شاعرانه و هنر دوستانه سخنوران ، نسبت
به هنر آن استاد گرانمایه خوشنویس بوده، درخور اتمجید است.)

استاد سید محمد داوود حسینی از آغاز انتشار سراج الاخبار
در بخش خوشنویسی با آن جریده همکاری نمود. همزمان با آن به
حیث آموزگار حسن خط و استاد خوشنویسی در مکتب های آن
زمان، به پرورش استعداد شاگردان پرداخت.

هنگامیکه مطبعه صنوک در سال ۱۳۰۶ هجری خورشیدی در کابل
روی کار آمد، او نیز همراه برادر بزرگتر خود (استاد سید محمد -

ایشان حسینی) به حیث عضو فنی به همکاری آغاز کرد.

سپس به حیث مدیر خطا طی مطبعه عمومی کابل که بخش بزرگ آن چاپ سنگی را در بر میگرفت به کار آغاز کرد و مدت ده سال، خدمات بر جسته یی را در رشته خطا طی و جدول کشی و دیگر امور فنی و اداری مطابق انجام داد.

هر گاه محصولات و تولیدات عمده طباعتی ده سال نخست مطبعه عمومی کابل به درستی بررسی شود، کار و تلاش پیگیر استادسید محمد داوود حسینی و برادر بزرگترش (استاد سید محمد ایشان) حسینی به خوبی مشاهده میشود.

او در اواخر سال ۱۳۱۸ هجری خورشیدی به وزارت معارف تبدیل گردید و از آغاز سال تعلیمی ۱۳۱۹ هجری خورشیدی به حیث استاد خوشنویسی و آموزگار حسن خط و ادبیات زبان دری کار کرد و سپس در مکتب ابن سینا، مکتب تجار و سایر مکتب های مرکز به نام معلم حسن خط (نستعلیق) خدمات شایسته یی را انجام داد و سالیان درازی در دانشکده های حقوق و ادبیات دانشگاه کابل به حیث استاد حقوق و ادبیات تدریس نموده و مدت ها هم به حیث سنا تور در مجلس اعیان و سنای وقت کار کرده است.

او رساله سود مندی را به نام (رهنمای خط) تالیف کرد و به چاپ رسانید.

افزون بر آثارهایی که بر شمردیم، بعضی کتابهای درسی و عناوین و نقشه ها را با خط زیبای خوشنویس و در تصحیح و ترتیب برخی دیوانهای شعر سخنو را و دفترهای ادبی کمک شایانی مینمود.

نخستین تقویم به خط او در سال ۱۳۶۶ هجری قمری خطاطی و جدول کشی گردید که در یکی از شماره های سراج الاخبار کلیشه و چاپ شده است.

پس از استرداد استقلال میهن مانند (طاق ظفر بغا) و (منار علم و جمال) را به همکاری برادرش (سید محمد ایشان حسینی) نوشت.

لیاقت و مهارت او در نوشتن خط نستعلیق و شکسته، همواره مورد تحسین و آفرین هنر شناسان قرار می گرفت. استاد فکری سلجوقی در باره او چنین نظری دارد:

((جناب سید داوود در خط نستعلیق و شکسته از نوادر روزگار و از اساتید گرانمایه این فن شریف و هنر لطیف میباشند. در ریز نویسی، شهرت بسزایی دارند چندان که (بر یک دانه برنج باریک، سوره های) حمد شریف و اخلاص را مع تار یخ و امضا نوشته اند که عقل بیننده را به حیرت میاندازد، علی ای حال، آقای سید محمد داود در خط نستعلیق، از اساتید معاصر میباشند که به دست سحر بنان خویش، چراغ عماد و رشیدو میر عبدالحامد را روشن نگاه میدارند. « (۶)

نمونه هایی از خط شکسته آمیز استاد سید محمد داوود حسینی در صفحه سه صد و پنجاه ساله کابل (سال ۱۳۱۱ خورشیدی) چاپ شده که یکی از شعرهای ابوالمعانی بیدل را به خط خوش نوشته است.

همچنان در صفحه مقابل آن نمونه خط زیبای نستعلیق وی به چشم میخورد که این دو بیت زیبا نوشته شده است:

((ریشه با آب چو سازد، گل احمر گردد
خاک چون طالب خورشید شود، زر گردد))

صحبت صاف دلان، جو هر اکسیر غناست
بی صدق، قطره محال است که گوهر گردد))

پوهانند عبدالحی حبیبی، آن جاکه از خوشنویسان متاخر یاد می کنند، سید داوود حسینی و سیدایشان حسینی را از زمره استادان خطوط سده چهاردهم هجری خورشیدی به شمار آورده و باریک نمونه خط نستعلیق از سید محمد داوود حسینی و یک نمونه خط نستعلیق از سید محمدایشان حسینی، کتابش را آذین میبندد.

(۷)

سید محمدایشان حسینی، این دو بیت را به خط نستعلیق نوشته است:

((وه که از ماه، خو بتر شده‌ای
سمن اندام و سیمبر شده ای))

((آینه در نظر برابر دار

که چه منظور هر نظر شده ای))

و نمونه خط نستعلیق سید محمد داوود حسینی همان قطعه بیست که
در سال ۱۳۱۱، کنیشه و چاپ شده است و پیشتر
از آن یاد کردیم.

سید محمد داوود حسینی، گاه‌گاه شعر هم میسرود و در
سرایش شعر، از بیدل، صایب و حافظ پیروی میکرد، دفتر قلمی
شعر هایش را تدوین نموده که دارای قصیده‌ها، غزلیات، مخمسها،
قطعه‌ها و رباعیات میباشند و نزد بازمانده گان آن روا نشاد موجود
است.

این هم نمونه‌ای از شعرهای سید محمد داوود حسینی که در
صفحه سی و هفت شماره دوم سال بیست و دوم (ماه سنبله ۱۳۵۳)
مجله ادب (نشریه پیشین دانشکده ادبیات و علوم بشری دانشگاه کابل)
چاپ شده است:

رقص

میکنم در پر تور خسا رآن جانانه رقص
شمع را هر جا که بیند، میکند پروانه رقص
سوز من از طعن نا فهمان معنی شد زیاد
پیشتر از سنگ طفلان، میکند دیوانه رقص
زاهدان در مسجد و در دیر، ترسان همه
مینماید عاشق دیوانه درویرانه رقص
گاه‌گاه می‌گر به گوشم میرسد آواز نی
میکنم، در کلبه فقرم، عجب مستانه رقص
حق بگوید، حق بجوید، حق بخواند با نکی
حقش تو گوش کن که بشنوی، میکند مرا نه رقص

سر مه از چشمش گرفت از نور غر فانی، روشنی
 و زشمیم گیسوا نشن، مینماید شانه رقص
 ذره با افلاک و انجم، آن چه بینی در جهان
 در فضای عشق جانان میکند جانانه رقص
 زان که جذب حق به برو بحر دارد جلوه ها
 میکند در قعر دریا، در صدف، در دانه رقص
 بسکه بز مم شد (حسینی) گرم نای و چنگ عشق
 ساقی امشب میکند با شیشه و پیما نه رقص

سید داوود حسینی به رسامی نیز میپرداخت، به ابوالمعانی
 بیدل، نهایت ارادت داشت و در مورد زنده گئی آن سخنور بز رنگ
 بیشتر از سی سال پژوهش نموده نوز باره آثار و اصطلاحات کابلی
 بیدل، پژوهشهای جالبی کرده که در شماره های سالهای گذشته
 مجله های ادب و آریا ناچاپ شده است که از آن جمله میترازان از مبحث
 دنباله داری زیر عنوان ((میرزا عبد القادر بیدل و افغانستان-
 داستان کشف قبر حضرت میرزا عبد القادر بیدل در خواجرواش
 کابل)) یاد کرد که در شماره های سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ هجری
 خورشیدی مجله ادب چاپ شده است.

بنا بر قول شفاهی استاد محمد صالح پرونتا، افزون بر نوشتن
 ورقهای رسمی و برخی از کتابهای درسی، (سید داوود حسینی)
 بیشتر از سه صد قطعه خط هنری نوشته است. که اکثر این قطعه
 ها نزد هنر دوستان و علاقه مندان خط و خوشنویسی موجود است.

همچنان، برخی از قطعه های هنری آن استاد توانا و برادر بز رنگتر
 شان (استاد سید محمد ایشان حسینی) در آرشیف ملی افغانستان
 به چشم میخورد. به گونه مثال میتوان از منتخب اشعار یاد کرد
 که استاد سید داوود حسینی به خط نستعلیق نوشته اند و بر حاشیه
 های آنها، میناتوزی استاد نمایان اعتمادی دیده میشود و هشتم-
 اکنون در آرشیف ملی افغانستان نگهداری می گردد.

استاد سید محمد داوود حسینی به تاریخ ۱۷ جدی ۱۳۵۷ خورشیدی در اثر سکته قلبی، زنده گوی را پدید آورد. او دارای چارپسربه نامهای سید حمایت الله حسینی، سید نجات الله حسینی، سید حشمت الله حسینی، و سید رفعت الله (رفعت حسینی) و دو دختر می باشد که اینک نظر به این که این مقاله تنهادر باره هنر خوشنویسی خاندان حسینی کابل نوشته شده است، در مورد سید حمایت الله حسینی و سید شیوکت الله حسینی، نیز که از خوشنویسان شناخته شده کشورند، سخنی چند میگویم:

سید حمایت الله حسینی:

سید حمایت الله ابهت حسینی فرزند استاد سید محمد داوود حسینی در ماه اسد سال ۱۳۱۲ هجری خورشیدی در باغ نواب کابل دیده به جهان گشود. آموزش دور ابتدایی را در لیسه استقلال فرا گرفت و در سال ۱۳۲۸ خورشیدی از مکتب اصول تخریر و محاسبه فارغ گردید.

سید حمایت الله حسینی اساساً خوشنویسی را در زمانیکه هنوز کودک بود، دوست میداشت، همان بود که اساسهای این هنر را از پدرش آموزش یافت پس از آن که تحصیل خویش را به پایان رسانید، به حیث آموزگار هنر خوشنویسی و ادبیات در مکتبهای شهر کابل مصروف گشت. او در آن روزها در پهلوی هنر خوشنویسی به نویسندگی و سخنوری نیز میپرداخت، چنانچه سرودهایش را برخی از هنرمندان را در افغانستان زمزمه نموده اند. همچنان که گاه گاه هیئت داستان و نمایشنامه مینوشت که در مطبوعات کشور به چاپ رسید. اما با سنگین آموزشهای برایش مجال آن را نداد تا بیشتر شعر بسراید و زیاد داستان و نمایشنامه بنویسد، او صرف متوجه خوشنویسی شد و اندرین راه، گامهای استوار و گسترده ای برداشت.

سید حمایت الله حسینی افزون بر آن که در معارف کشور مصروف خدمت بود، در وزارت امور خارجه نیز به نوشتن فرمانها،

صلاحیت نامه ها و قرار دادهای سیاسی میپردازد. او پیش از دودیه، تالم نشا نها، مدالهای رسمی و مهرهای دولتی را با خط خوش نوشت که میتوان از بانگ نوتهای موجود و سکه های پول که خط آنها به خامه او نوشته شده است، یاد کرد.

موصوف از سال ۱۳۴۵ به این سو به آموختن هنر خوشنویسی در هنرهای زیبای دانشگاه کابل نیز پرداخته است. او شیوه های گوناگون این هنر را بامهارت و ظرافت مینوشت. در نوشتن خط های شکست، نستعلیق، نسخ، ثلث، ریحان و خط تزیینی مهارت زیادی داشت. ریزه نویسی را نیز با زیبایی و چیره دستی کار می کرد. چنانچه گفته فرزندش (سید نعمت حسینی) سوره های مبارک «فاتحه» و «ناس» را در چار ملی و پنج ملی متر نوشته که سخت دلچسپ است و درخور ستایش.

سید حمایت الله حسینی، موفق به دریافت مدالها و تقدیرنامه ها شده و بارها در هنر خوشنویسی به مقام و درجه اول رسیده است.

این هنرمند پرکار و پر تلاش به تاریخ ۳۰ سرطان ۱۳۶۴ در اثر سکته قلبی چشم از جهان بست. و صد ها قطعه خط هنری و اوراق دیگر را با خط خوش و زیبای خود به یادگار گذاشت.

روانش شاد باد.

سید شوکت الله حسینی:

سید شوکت الله حسینی فرزند سید حمایت الله حسینی نیز از خوشنویسان معاصر کشور به شمار می آید. نخست درس خوشنویسی را نزد پدر کلان دانشمند خوشنویس (سید داود حسینی) آموخته و روشها و اصول اساسی آن را فرا گرفته است. پس از وفات جدش، نزد پدر خوشنویس به آموزش پرداخت و آهسته آهسته به پخته گی رسید. امروز توانسته است که در بین خوشنویسان کشور، جای برای خود باز کند.

او نخست کار خو شنو یسی را با همکار ی در پرو ژه سوادآموزی کشور ، آغاز کرد و سپس ، در وزارت تحصیلات عالی و مسلکی ، مشغول کار شد. پس از وفات پدرش ، به حیث خوشنو یس در وزارت امور خارجه جمهوری افغانستان به نوشتن فرما نها ، صلاحیت نامه ها ، اعتبار نامه ها ، پاسپورت ها و دیگر امور مربوط میپردازد ، افزون بر آن در ریاست صکوک و ضرابخانه ، بانوشتن نشا نها ، مهر ها ، صکوک ، سند ، های بها دارو دیگر کارها ، همکار ی دارد . او هم اکنون (که سال ۱۳۷۰ خورشید یست) سی و دفت سال دارد و با توانمندی کار میکند .

در پایان این شناسنامه های کوتا ه ، شایسته است از چکامه شیوایی که سخنور نامدار کشور (شاد روان عبد الغنی مستغنی) در ستایش مقام هنری دوبرادر هنرمند (سید ایشان حسینی و سید داود حسینی) سروده است ، یاد نمایم :

این چامه ، اساسا دارای پنجاه و دو بیت بوده که در صفحه های ۱۶۸ - و ۱۷۰ کتاب قصاید مستغنی (چاپ کابل) نشر شده است. اینک برای حسن ختام ، هژده بیت این چکامه را به گزینش گرفته و برای شما هنر دوستان باز نویسی مینمایم :

قصیده در مدح سید محمد ایشان و سید محمد داود خطاطان وطن:

دو برا در که به شهرند ز اعیان کمال
هر دو از دانش و علمند ز باندان کمال
بود این هر دو تن اولاد رسول عربی
سیدند این دو گرامی گهر کان کمال
هر دو از دانش و اخلاق ، دو یکتای زمان
هر دو از مهر و وفا ، لطف نمایان کمال
هر دو از شرم و حیا گوهر عمان وجود
هر دو از ذهن و ذکا ، شهره ارکان کمال
هر دو آموخته علم و ادب از مکتب فیض
هر دو نشان در سحر فتند ز دیوان کمال

هر دو شاخ شجر پر بر فهم و دانش
 هر دو گلدسته رنگین گلستان کمال
 هر دو یکتای جهانند به تعلیم و هنر
 هر دو سر دفتر فردند به دیوان کمال
 هر دو در علم قرائت، دو فرید گیتی
 هر دو از فهم و درایت، چو دل و جان کمال
 آیت عقل نمایان ز جبین هر دو
 تازه زین هر دو برادر بود ایمان کمال
 هر دو از خط نکو، فرد دیزین عصر و زمان
 هر دو از خلق حسن، آهت و برهان کمال
 خط این هر دو چو با شد، چه بود سلك هنر
 فهم این هر دو چو باشد، چه بود شان کمال؟
 خوش نویسنده خط خوب رقص، رقم، چند قلم
 که بود عا جزش از وصف، دبیران کمال
 قلم نسخ کشد بر خط خو با نزمان
 خط شان دیده اگر نسخو یسان کمال
 مینویسند خوش و نغز، جلی تابه خفی
 نتوان فرق در آن کرد ادیبان کمال
 خط نویسنده خوش و چابک و چالاک بسی
 نیست خود، سرکش از این دایره، انسا کمال
 وارث علم کمالند، پدر بعد پدر
 همه پرو رده دانش به دبستان کمال
 همه گان کار نمودند به فرمان خرد
 همه از فطرت عالی شده شایان کمال ...
 پانویسها:

(۱): فکری سلجوقی، ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان،
 تعلیقات بر دیباچه دو مست محمد هروی، (کابل: ۱۳۴۷ خورشیدی)،
 ص ۷۷.

- (۲) عزیز الدین و کیلی پولزایی هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر، کابل: ۱۳۴۲ خورشیدی، ص ۴۸.
- (۳) فکری سلجوقی ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان تعلیقات بر دیباچه دو ست محمد هروی، کابل: ۱۳۴۷ خورشیدی، ص ۷۷.
- (۴) عزیز الدین و کیلی پولزایی، هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر، کابل: ۱۳۴۳ خورشیدی، ص ۴۹.
- (۵) همان نویسنده، همان کتاب...
- (۶) فکر سلجوقی، ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان، تعلیقات بر دیباچه دو ست محمد هروی، کابل: ۱۳۴۷ خورشیدی، ص ۷۷.
- (۷) پروها نه عبدالحی حبیبی، تاریخ خط و نوشته های کهن افغانستان، کابل: انجمن تاریخ و ادب افغانستان، سال ۱۳۵۰ خورشیدی، ص ۱۱۵، ۲۴۴ و ۲۴۵.



برخی از خانواده های خوشنویس کابل در یک سده اخیر

محمد ناصر طه‌پوری



سید حمایت الله حسینی



سید محمد ایشان حسینی



سید محمد داوود حسینی

خوشینو یسی، هنر یست د پدیر ویرینه که در سر زمین ما ن. قا۔
فله های فراوان، این را ه راسپر دند و هنر مندان گوناگون این
اقلیم گسترده، استعداد و توانایی خویشتن را آزمودند.

از متن، کتا بها، تارواق مسجدها، از نوشتن فرمانها و رسایل
تا پرداختن قطعه ها، گنجینه عظیمی از خوشنویسی در کف
بوده و دریغ است که این درخت برومند، بخشکد و این چراغ
فروغندک، خاموش گردد.

هنر خط، از دیر باز در کشورها رونق داشته است، خط عربی
و خط فارسی - دری در ذات خود، یک پدیده هنریست.

سه گونه خط: (تعلیق، نستعلیق و شکسته) محصول تلاشها هنری
مردم خراسان نزمین میباشند که آنها را ساخته و پرداخته و بافته اند.

هنر خط، در پر توضو ابط و قواعدیکه به خود گرفته است، زیبایی
خود را تنها رزمیدهد و اندازه و زوای هندسی تناظر و سطح
و دوران زیبایی و یژه یی به آن میدهد و در موزیمهای جهان: این
پدیده ها، پیدایی و جلوه خاصی دارند.

هنر خط، در تمام شهرهای خراسان قدیم، به گونه یی و سلیقه یی تبارز نموده و دکابل از صد سال به این طرف، تجلی ویژه یی داشته است، در دورامیر عبدالرحمان، انبوه ساکنان خوشنویس، نه تنها قطعاً متبل کتابها نوشته اند که درابلزمین نموداری از بهضمت گسترش هنرخط میباشد.

من از میان انبوه هنرآفرینان این هنرشناسا، زنده گینامه تنی چند از خوشنویسان و خطنویسان کابلی را ورق خواهم زد که در این قلمرو، راه درازی را نور دیده اند و حق گران بر گردن خواننده گان خط و هنر دارند.

از گروه خوشنویسان کابل، از محمد علی تائب، مصوفی عبدالحمید، میرزا محمد یعقوب کابلی، منشعی حیدر علی، فیض کابلی، ملا فیض محمد و ابراهیم خلیل بایند نازیرد. استان عزیزالدین و کیلی پوپلزی از پرکارترین خوشنویسان این سرزمین تاریخت و هم سایر جوانان خوشنویسی عرض و جود نموده اند که نامهای همه هنرمندان جوان در این نوشته، نمیگنجد.

چون هنر خط و کمال و جمال این هنر، از ذوق سرشار و عشق ویژه یی برخوردار است، مشق و ممارست زیاده می خواهد و هنرمند، آن گاه به بلوغ هنری میرسد که از راه بزنگداشت و تشویق بتواند هنر خود را آفاق بسازد، از این رو، بسا خطاطان بزرگی داشته ایم که عمر خود را بهزیبایی و آفرینش هنر خطاطی، سپری نموده اند، رنج فراوان برده اند و سود اندک گرفته اند، ما، در کابل، کمتر با خاواده های برمیخوریم که تمام اعضای آنها، این هنر را پی ریزی و دنبال کرده باشند. سید عطا محمد شاه و پسترا نشن، سید فاروق و سید عثمان هر دو خطاطان چیره دستی بودند در کابل، زنده گنی می کردند، اما به «قند هاری» منسوب میباشند. و ما از خاواده جلیل القدر حسینی نام میبریم که از کابل میباشند و چراغ هنر خط را یکی به دست دیگری از جگرگوشه های خود سپرده اند.

دودمان سید اسماء عیال حسینی کابلی:

روا نشاد سید اسماء عیال حسینی که از خو شنو یسان نا می زمان خود به شما در میرفت، در نوشتن خط نسخ: مهارت بسزایی داشت. چنانچه استاد فکری سلجوقی در کتاب (ذکر برخی از خو شنو یسان و هنرمندان) خویش که اصلاً تعلیقاً تیسست بر ((دیباچه - دو ست محمد هروی)) مینویسد:

((مرحوم آقا سید اسماء عیال مریدی عالم و سید بز رگوار ری بود که در خط نسخ، به شیوه میرزا احمد نیز یزی و آقا ابراهیم قمی در نهایت متانت و صفاهینوشت...)) (۱).

سید اسماء عیال حسینی را دو فرزند برومند بود به نامهای سید محمد ایشان حسینی و سید محمد داوود حسینی که مو صوف در راه پرویش و رشد استعداد آن دو پسرش، از هیچگونه سعی و تلاشی دریغ نکرد.

او نخست، فرزندان خود را زیر نظر خویش پرویش داد و آن دو پسر از جمله شایسته هنر خطاطی و خوشنویسی، آشنا ساخت، اما از آنجا که مرد دقیق النظر و آینده اندیشی بود، بر آن شد تا هر دو فرزندش را به شاگردی خوشنویس نامدار کشور «استاد سید عطاء محمد حسینی قندهاری» بگمارد تا به فحوی این مصراع معروف ((جو را استاد، به زمر پدر، مهر پدریش از مشقت مشق و تمرین آن دو، در آموزش خوشنویسی نگاهد.

و بدینگونه بود که سید محمد ایشان حسینی (برادر بهتر) و سید داوود حسینی (برادر کمتر) از برکت رهنمایی های پدر و استاد هنر پرورشان در هنر خوشنویسی به نام و نشان پرارجی رسیدند. بهتر آن باشد که نخست یادنامه کوتاهی را در باره زندگانی پر بار فرهنگی و اجتماعی و کارگردانی استاد سید محمد ایشان حسینی بر خوانیم:

استاد سید محمد ایشان حسینی:

تا ریخ دقیق تولد آن خوشنویس نامدار کشور را به دست آورده نتوانستیم، اما از روی تخمینی که استاد عزیز این وکیلی پوپلزی در کتاب (هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر) (۱) نموده است، باید سید محمد ایشان حسینی، در سال ۱۲۶۷ هجری خورشیدی چشم به جهان گشوده باشد.

همکاری مطبوعاتی و فرهنگی سید محمد ایشان در بخش خطی و خوشنویسی، نخست در سراج لاجورد افغانیه ادر بردید. پس از استرداد استقلال میهن عزیز، او به شغل ها و وظایف گوناگونی گماشته شد، مانند سر کتابت مطبعه، دایره تحریرات دربار و مجلس عالی وزراء و دیگر وظایف. از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۶ هجری خورشیدی، در مطبعه ماشینخانه شرکت رفیق و مطبعه کاظمی کار کرد و در سال ۱۳۰۶ خورشیدی که مطبعه نوت و سکوک در باغ ازگک به کار و تولید پرداخت، او به حیث عضو فنی آن مطبعه مقرر شد. افزون بر هنر خوشنویسی، وی گاهگاهی در هیئت ترنینهای واداری آن مطبعه را نیز به دوش می گرفت. در ماه عقرب سال ۱۳۰۸ خورشیدی که مصبعه عمومی نا بل تا زه روی کار آمده بود، سید محمد ایشان حسینی را به خاطر فعالیت ها و کار کردهای پیشین وی، به حیث معاون اول ریاست عمومی مطابع گماشتند و دوبار در هنگام سفر صوفی عبدالحمید ((زنگراف)) رئیس مطابع به خارج کشور، سرپرستی امور فنی واداری ریاست مطابع را نیز به دوش گرفت.

وظیفه معاونیت مطابع را تا پایان سال ۱۳۱۸ خورشیدی، به دوش داشت و در آغاز روی کار آمدن ریاست مستقل مطبوعات (در ماه قوس ۱۳۱۸ هجری خورشیدی) به وزارت معارف تبدیل گردید و سال های درازی به حیث آموزگار حسن خط و استاد خوشنویسی در مکتب صناع نفیسه دارا لمعلمین، مکتب ابن سینا و سایر مکاتب شهر و مرکز وزارت کارهای ارزشمند را به سر رسانید.

سید محمد ایشان حسینی در هنر خطاطی و خوشنویسی، زحمات زیادی کشیده و خدمات فرهنگی در خور توجهی را انجام داده است، موصوف خط ثلث و خط نسخ را خیلی زیبا و جالب مینویشته و در پیشبرد امور خوشنویسی، تلاش و بیکار خسته گی ناپذیری داشته است.

استاد فکری سلجوقی مینگارد:

((سید محمد ایشان خط نستعلیق را روشن می نویسد، اما خط ثلث و نسخ را نهایت صفا و محکم مینگارد و جناب سید ایشان را فرزندی برومند بود به نام سید محمد صدیق که نستعلیق را عالی مینوشت و امید میرفت که در آن فن، بی نظیر شود، در یفا که آن نهال نورس مستعد، شگوفه هنر هایش، به ثمر نرسید و تنه باد اجل، نخل قامتش را از یاد آورد و به خاک افکند...)) (۳)

هرگاه بیشتر ورقهای چاپ شده مطبوعات کابل دیده شود، خط زیبای ثلث و نسخ استاد سید محمد ایشان حسینی، جلوه نمایی می کند.

او افزون بر خوشنویسی، درجدول کشی و اصول طبابت و صحافت که ویژه خوشنویسان فنی مطابع است، لیاقت و مهارت کامل داشته است.

یکی دیگر از ویژه گیهای کار آن نشاد، این بود که خط خوش را به سرعت مینوشت. استاد عزیز الدین پوپلزی می نویسد:

((ازین حقیقت نباید انحراف ورزید که بعد از ارتحال حسن حلمی و عطاء محمد حسینی و میرزا محمد یعقوب، کسانی که نگذاشتند بشیرالزه حسن خط و صحافت و تزیینات اساسی در مروسه سال اخیر (البته منظور شان تا سال ۱۳۴۲ خورشیدیست که سال تالیف و چاپ کتاب شان میباشد) در افغانستان از دست زدو از هم بگسلد. اندازۀ فعالیت و اشتراک مساوی جدی همین دو برادر (سید محمد ایشان حسینی و سید محمد دوو د حسینی) و صوفی عبدالحمید شیخ محمد رضا بود که یقیناً اینها نت را به نو به خود شان در

نیمه يك قرن حفظ كر دهندو نگاشتند و قفه یی از این رهگذر در
سیر تد ریجی خط و کتا بت، ریخ لهد)) (٤)

استاد سید محمد ایشا ن تاپایان مهر ، دست از هنر خو شنو یسی
بر ندا شت و از آمو ختن این هنر به شا گر دا ن معا ر ف و دیگر
علا قه مندا ن خو شنو یسی دریغ نکرد و در نوشتن بیشتر او راق
کتب و رسا یل آن زما نه فعلا نهیمم گرفت و افزون بر نو شتن
صد ها ورق از کتا بها و رسا لها و فر ما نها بیش از سه صد
قطعه خط هنری را نو شت که بیشتر آنها نزد دو ستدا ران و-
دلبسته گان این هنر، همچون امانتی گران بها نگهداشته می-
شود .

در صفحه ١٣٩ سا لنا مه کا بل (سال ١٣١٤ هجری خور شیدی)
نمونه یی از خط کوفی طغرای شاد روان سید محمد ایشا ن حسینی
به چشم میخورد که کلمه شریفه طیبه به شکل دایره در آن نوشته
شده است و در صفحه ١٤٠ همان سا لنا مه ، نمونه خط طغرای شان
چاپ گردیده که باز هم شکل دایره دارد و در آن ((یا مرتضی-
علی)) نوشته شده است .

این مرد دانشمند و خوشنویس چیره دست، در ماه قوس
سال ١٣٥٨ هجری خور شید ی چشم از جهان بست ، در حالیکه
آثار پرار ج و گران بها یش ، یاداورا و خاطره او را همیشه زنده
نگه میدارد . روا نشن شاد باد .

استاد سید محمد ایشا ن حسینی دو پسر و دو دختر داشت:
پسرا نشن (سید محمد سعید حسینی و سید محمد صدیق حسینی)
هر دو از خوشنویسان دور خویش بوده اند .
اما هر دو در زمان زنده گانی پدر خویش از جهان رفتند . این
دو تن ، سا لهای زیادی در لیسه های استقلال و حبیبیه ، به حیث
استادان خوشنویسی و ادبیات قد ریس می گردیدند .
نگارنده به خاطر کم بودن وقت، برای گردآوری این شنا-
سنامه ، هائوا نیست زنده گینامه این دو خوشنویس

را به گونه گسترده تمهید و تقدیم نماید، امید است هنر دوستان
بز رگوار این کو تا هیش رابخشند
استاد سید محمد داوود حسینی:

سید محمد داوود حسینی، دو مین پسر روانشاد سید محمد اسماعیل
عیل حسینی و برادر کبوتر استاد سید محمد ایشا ن حسینیست که
در نوشتن خط نستعلیق و خط شکست، به مهارت و استادی
رسیده بود، هر چند مو فق به در یافت تا ریخ دقیق تولد آن
خوشنو یسن نامدار نیز نگر دیلم، ولی باز هم قرار تخمینی که محترم
استاد پو پلز ایی نموده است، باید آن روا نشاد در سال ۱۲۷۲ هجری
خورشیدی چشم به جهان گشوده باشد. (۵)

او از همان آوان گو د کی نزدیک هنر پرو د ش به مشق و تمرین
خوشنو یسی پرداخت و سپس نزد سید اعطاء محمد حسینی قندهاری
به خاطر آمو ز ش خو بتر با علاقه فراوان زانو زد. او در خوشنو-
یسی و هنر خطاطی به درجه یی رسید که یکی از سخنو ران آن
زمان در ستایش خوشنو یسی او چنین سرود:
(خط داوود ماز شیوه خوب

به خط میر عماد مانند است))

(هر چند که در مصراع دوم این بیت واژه (میر) از نگاه و زن عرو-
ضی، به خاطر داشتن يك حرف زاید، ثقلالت دارد، ولی نظر به این
که بیا نگر احساس شاعرانه و هنر دوستانه سخنوران، نسبت
به هنر آن استاد گرانمایه خوشنو یس بوده، درخور اتمجید است.)

استاد سید محمد داوود حسینی از آغاز انتشار سراج الاخبار
در بخش خوشنو یسی با آن جریده همکاری نمود. همزمان با آن به
حیث آموزگار حسن خط و استاد خوشنو یسی در مکتب های آن
زمان، به پرورش استعداد شاگردان پرداخت.

هنگامیکه مطبعه صنوک در سال ۱۳۰۶ هجری خورشیدی در کابل
روی کار آمد، او نیز همراه برادر بزرگتر خود (استاد سید محمد -

ایشان حسینی) به حیث عضو فنی به همکاری آغاز کرد.

سپس به حیث مدیر خطا طی مطبعه عمومی کابل که بخش بزرگ آن چاپ سنگی را در بر میگرفت به کار آغاز کرد و مدت ده سال، خدمات بر جسته یی را در رشته خطا طی و جدول کشی و دیگر امور فنی و اداری مطابق انجام داد.

هر گاه محصولات و تولیدات عمده طباعتی ده سال نخست مطبعه عمومی کابل به درستی بررسی شود، کار و تلاش پیگیر استادسید محمد داوود حسینی و برادر بزرگترش (استاد سید محمد ایشا ن- حسینی به خوبی مشاهده میشود.

او در اواخر سال ۱۳۱۸ هجری خورشیدی به وزارت معارف تبدیل گردید و از آغاز سال تعلیمی ۱۳۱۹ هجری خورشیدی به حیث استاد خوشنویسی و آموزگار حسن خط و ادبیات زبان دری کار کرد و سپس در مکتب ابن سینا، مکتب تجار و سایر مکتب های مرکز به نام معلم حسن خط (نستعلیق) خدمات شایسته یی را انجام داد و سالیان درازی در دانشکده های حقوق و ادبیات دانشگاه کابل به حیث استاد حقوق و ادبیات تدریس نموده و مدت ها هم به حیث سنا تور در مجلس اعیان و سنای وقت کار کرده است.

او رساله سود مندی را به نام (رهنمای خط) تالیف کرد و به چاپ رسانید.

افزون بر آثارهایی که بر شمردیم، بعضی کتابهای درسی و عناوین و نقشه ها را با خط زیبای خوشنویس و در تصحیح و ترتیب برخی دیوانهای شعر سخنو را و دفترهای ادبی کمک شایانی مینمود.

نخستین تقویم به خط او در سال ۱۳۶۶ هجری قمری خطاطی و جدول کشی گردید. که در یکی از شماره های سراج الاخبار گلشنه و چاپ شده است.

پس از استرداد استقلال میهن مانند (طاق ظفر بغا) و (منار علم و جمال) را به همکاری برادرش (سید محمد ایشان حسینی) نوشت.

لیاقت و مهارت او در نوشتن خط نستعلیق و شکسته، همواره مورد تحسین و آفرین هنر شناسان قرار می گرفت. استاد فکری سلجوقی در باره او چنین نظری دارد:

((جناب سید داوود در خط نستعلیق و شکسته از نوادر روزگار و از اساتید گرانمایه این فن شریف و هنر لطیف میباشند. در ریز نویسی، شهرت بسزایی دارند چندان که (بر یک دانه برنج باریک، سوره های) حمد شریف و اخلاص را مع تار یخ و امضا نوشته اند که عقل بیننده را به حیرت میاندازد، علی ای حال، آقای سید محمد داود در خط نستعلیق، از اساتید معاصر میباشند که به دست سحر بنان خویش، چراغ عماد و رشیدو میر عبدالرحمان را روشن نگاه میدارند. « (۶)

نمونه هایی از خط شکسته آهیز استاد سید محمد داوود حسینی در صفحه سه صد و پنجاه سالنا مه کابل (سال ۱۳۱۱ خورشیدی) چاپ شده که یکی از شعرهای ابوالمعانی بیدل را به خط خوش نوشته است.

همچنان در صفحه مقابل آن نمونه خط زیبای نستعلیق وی به چشم میخورد که این دو بیت زیبا نوشته شده است:

((ریشه با آب چو سا زد، گل احمر گردد
خاک چون طالب خور شید شود، زر گردد))

صحبت صاف دلان، جو هراکسیر غنا ست
بی صد ف، قطره محال است که گوهر گردد))

پوها ند عبدالحمی حبیبی، آن جاکه از خوشنویسان متاخر یاد می کنند، سید داوود حسینی و سیدایشان حسینی را از زمره استادان خطوط سده چهاردهم هجری خورشیدی به شمار آورده و باریک نمونه خط نستعلیق از سید محمد داوود حسینی و یک نمونه خط نستعلیق از سید محمدایشان حسینی، کتابش را آذین میبندد.

(۷)

سید محمدایشان حسینی، این دو بیت را به خط نستعلیق نوشته است:

((وه که از ماه، خو بتر شده‌ای
سمن اندام و سیمبر شده ای))

((آینه در نظر برابر دار

که چه منظور هر نظر شده ای))

و نمونه خط نستعلیق سید محمد داوود حسینی همان قطعه بیست که
در سال ۱۳۱۱، کنیشه و چاپ شده است و پیشتر
از آن یاد کردیم.

سید محمد داوود حسینی، گاه‌گاه‌ها شعر هم میسرود و در
سرایش شعر، از بیدل، صایب و حافظ پیروی میکرد، دفتر قلمی
شعر هایش را تدوین نموده که دارای قصیده‌ها، غزلیات، مخمسها،
قطعه‌ها و رباعیات میباشند و نزد بازمانده‌گان آن روا نشاد موجود
است.

این هم نمونه‌ای از شعرهای سید محمد داوود حسینی که در
صفحه سی و هفت شماره دوم سال بیست و دوم (ماه سنبله ۱۳۵۳)
مجله ادب (نشریه پیشین دانشکده ادبیات و علوم بشری دانشگاه کابل)
چاپ شده است:

رقص

میکنم در پر تور خسا رآن جانانه رقص
شمع را هر جا که بیند، میکند پروانه رقص
سوز من از طعن نا فهمان معنی شد زیاد
پیشتر از سنگ طفلان، میکند دیوانه رقص
زاهدان در مسجد و در دیر، ترسان همه
مینماید عاشق دیوانه درویرانه رقص
گاه‌گاه‌ها گر به گوشم میرسد آواز نی
میکنم، در کلبه فقرم، عجب مستانه رقص
حق بگوید، حق بجوید، حق بخواند با نکی
حقش تو گویی که باشی، میکند مرا نه رقص

سر مه از چشمش گرفت از نور غر فانی، روشنی
 و زشمیم گیسوا نشن، مینماید شانه رقص
 ذره با افلاک و انجم، آن چه بینی در جهان
 در فضای عشق جانان میکند جانانه رقص
 زان که جذب حق به برو بحر دارد جلوه ها
 میکند در قعر دریا، در صدف، در دانه رقص
 بسکه بز مم شد (حسینی) گرم نای و چنگ عشق
 ساقی امشب میکند با شیشه و پیما نه رقص

سید داوود حسینی به رسامی نیز میپرداخت، به ابوالمعانی
 بیدل، نهایت ارادت داشت و در مورد زنده گئی آن سخنور بز رنگ
 بیشتر از سی سال پژوهش نموده نوز باره آثار و اصطلاحات کابلی
 بیدل، پژوهشهای جالبی کرده که در شماره های سالهای گذشته
 مجله های ادب و آریا ناچاپ شده است که از آن جمله میترازان از مبحث
 دنباله داری زیر عنوان ((میرزا عبد القادر بیدل و افغانستان-
 داستان کشف قبر حضرت میرزا عبد القادر بیدل در خواجهر و اش
 کابل)) یاد کرد که در شماره های سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ هجری
 خورشیدی مجله ادب چاپ شده است.

بنا بر قول شفاهی استاد محمد صالح پرونتا، افزون بر نوشتن
 ورقهای رسمی و برخی از کتابهای درسی، (سید داوود حسینی)
 بیشتر از سه صد قطعه خط هنری نوشته است. که اکثر این قطعه
 ها نزد هنر دوستان و علاقه مندان خط و خوشنویسی موجود است.

همچنان، برخی از قطعه های هنری آن استاد توانا و برادر بز رنگتر
 شان (استاد سید محمد ایشان حسینی) در آرشیف ملی افغانستان
 به چشم میخورد. به گونه مثال میتوان از منتخب اشعار یاد کرد
 که استاد سید داوود حسینی به خط نستعلیق نوشته اند و بر حاشیه
 های آنها، میناتوزی استاد نمایان اعتمادی دیده میشود و هشتم-
 اکنون در آرشیف ملی افغانستان نگهداری می گردد.

استاد سید محمد داوود حسینی به تاریخ ۱۷ جدی ۱۳۵۷ خورشیدی در اثر سکته قلبی، زنده گوی را پدید آورد. او دارای چارپسربه نامهای سید حمایت الله حسینی، سید نجات الله حسینی، سید حشمت الله حسینی، و سید رفعت الله (رفعت حسینی) و دو دختر می باشد که اینک نظر به این که این مقاله تنهادر باره هنر خوشنویسی خاندان حسینی کابل نوشته شده است، در مورد سید حمایت الله حسینی وسید شیوکت الله حسینی، نیز که از خوشنویسان شناخته شده کشورند، سخنی چند میگویم:

سید حمایت الله حسینی:

سید حمایت الله ابهت حسینی فرزند استاد سید محمد داوود حسینی در ماه اسد سال ۱۳۱۲ هجری خورشیدی در باغ نواب کابل دیده به جهان گشود. آموزش دور ابتدایی را در لیسه استقلال فرا گرفت و در سال ۱۳۲۸ خورشیدی از مکتب اصول تخریر و محاسبه فارغ گردید.

سید حمایت الله حسینی اساساً خوشنویسی را در زمانیکه هنوز کودک بود، دوست میداشت، همان بود که اساسهای این هنر را از پدرش آموزش یافت پس از آن که تحصیل خویش را به پایان رسانید، به حیث آموزگار هنر خوشنویسی و ادبیات در مکتب های شهر کابل مصروف گشت. او در آن روزها در پهلوی هنر خوشنویسی به نویسندگی و سخنوری نیز میپرداخت، چنانچه سرودهایش را برخی از هنرمندان را در افغانستان زمزمه نموده اند. همچنان که گاه گاه هیئت داستان و نمایشنامه مینوشت که در مطبوعات کشور به چاپ رسید. اما با سنگین آموزشهای برایش مجال آن را نداد تا بیشتر شعر بسراید و زیاد داستان و نمایشنامه بنویسد، او صرف متوجه خوشنویسی شد و اندرین راه، گامهای استوار و گسترده ای برداشت.

سید حمایت الله حسینی افزون بر آن که در معارف کشور مصروف خدمت بود، در وزارت امور خارجه نیز به نوشتن فرمانها،

صلاحیت نامه ها و قرار دادهای سیاسی میپردازد. او پیش از دودیه، تالم نشا نها، مدالهای رسمی و مهرهای دولتی را با خط خوش نوشت که میتوان از بانگ نوتهای موجود و سکه های پول که خط آنها به خامه او نوشته شده است، یاد کرد.

موصوف از سال ۱۳۴۵ به این سو به آموختن هنر خوشنویسی در هنرهای زیبای دانشگاه کابل نیز پرداخته است. او شیوه های گونه گون این هنر را بامهارت و ظرافت مینوشت. در نوشتن خط های شکست، نستعلیق، نسخ، ثلث، ریحان و خط تزیینی مهارت زیادی داشت. ریزه نویسی را نیز با زیبایی و چیره دستی کار می کرد. چنانچه به گفته فرزندش (سید نعمت حسینی) سوره های مبارک «فاتحه» و «ناس» را در چار ملی و پنج ملی متر نوشته که سخت دلچسپ است و درخور ستایش.

سید حمایت الله حسینی، موفق به دریافت مدالها و تقدیرنامه ها شده و بارها در هنر خوشنویسی به مقام و درجه اول رسیده است.

این هنرمند پرکار و پر تلاش به تا ریخ ۳۰ سرطان ۱۳۶۴ در اثر سکته قلبی چشم از جهان بست. و صد ها قطعه خط هنری و اوراق دیگر را با خط خوش و زیبای خود به یادگار گذاشت.

روانش شاد باد.

سید شوکت الله حسینی:

سید شوکت الله حسینی فرزند سید حمایت الله حسینی نیز از خوشنویسان معاصر کشور به شمار می آید. نخست درس خوشنویسی را نزد پدر کلان دانشمند خوشنویس (سید داود حسینی) آموخته و روشها و اصول اساسی آن را فرا گرفته است. پس از وفات جدش، نزد پدر خوشنویس به آموزش پرداخت و آهسته آهسته به پخته گی رسید. امروز توانسته است که در بین خوشنویسان کشور، جایی برای خود باز کند.

او نخست کار خو شنو یسی را با همکار ی در پرو ژه سوادآموزی کشور ، آغاز کرد و سپس ، در وزارت تحصیلات عالی و مسلکی ، مشغول کار شد. پس از وفات پدرش ، به حیث خو شنو یسی در وزارت امور خارجه جمهوری افغانستان به نوشتن فرما نها ، صلاحیت نامه ها ، اعتبار نامه ها ، پاسپورت ها و دیگر امور مربوط میپردازد ، افزون بر آن در ریاست صکوک و ضرابخانه ، بانوشتن نشا نها ، مهر ها ، صکوک ، سند ، های بها دارو دیگر کارها ، همکار ی دارد . او هم اکنون (که سال ۱۳۷۰ خورشید یست) سی و دفت سال دارد و با توانمندی کار میکند .

در پایان این شناسنامه های کوتا ه ، شایسته است از چکامه شیوایی که سخنور نامدار کشور (شاد روان عبد الغنی مستغنی) در ستایش مقام هنری دوبرادر هنرمند (سید ایشان حسینی و سید داوود حسینی) سروده است ، یاد نمایم :

این چامه ، اساسا دارای پنجاه و دو بیت بوده که در صفحه های ۱۶۸ - و ۱۷۰ کتاب قصاید مستغنی (چاپ کابل) نشر شده است . اینک برای حسن ختام ، هر ده بیت این چکامه را به گزینش گرفته و برای شما هنر دوستان باز نویسی مینمایم :

قصیده در مدح سید محمد ایشان و سید محمد داوود خطاطان وطن:

دو برا در که به شهرند ز اعیان کمال
هر دو از دانش و علمند ز باندان کمال
بود این هر دو تن اولاد رسول عربی
سیدند این دو گرامی گهر کان کمال
هر دو از دانش و اخلاق ، دو یکتای زمان
هر دو از مهر و وفا ، لطف نمایان کمال
هر دو از شرم و حیا گوهر عمان وجود
هر دو از ذهن و ذکا ، شهره ارکان کمال
هر دو آموخته علم و ادب از مکتب فیض
هر دو نشان در سی گزفتند ز دیوان کمال

هر دو شاخ شجر پر بر فهم و دانش
 هر دو گلدسته رنگین گلستان کمال
 هر دو یکتای جهانند به تعلیم و هنر
 هر دو سر دفتر فردند به دیوان کمال
 هر دو در علم قرائت، دو فرید گیتی
 هر دو از فهم و درایت، چو دل و جان کمال
 آیت عقل نمایان ز جبین هر دو
 تازه زین هر دو برادر بود ایمان کمال
 هر دو از خط نکو، فرد دیزین عصر و زمان
 هر دو از خلق حسن، آهتو برهان کمال
 خط این هر دو چو با شد، چه بود سلك هنر
 فهم این هر دو چو باشد، چه بود شان کمال؟
 خوش نویسنده خط خوب رقص، رقم، چند قلم
 که بود عا جزش از وصف، دبیران کمال
 قلم نسخ کشد بر خط خو با نزمان
 خط شان دیده اگر نسخو یسان کمال
 مینویسند خوش و نغز، جلی تابه خفی
 نتوان فرق در آن کرد ادیبان کمال
 خط نویسنده خوش و چابک و چالاک بسی
 نیست خود، سرکش از این دایره، انسا کمال
 وارث علم کمالند، پدر بعد پدر
 همه پرو رده دانش به دبستان کمال
 همه گان کار نمودند به فرمان خرد
 همه از فطرت عالی شده شایان کمال ...
 پانویسها:

(۱): فکری سلجوقی، ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان،
 تعلیقات بر دیباچه دو مست محمد هروی، (کابل: ۱۳۴۷ خورشیدی)،
 ص ۷۷.

- (۲) عزیز الدین و کیلی پولزایی هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر، کابل: ۱۳۴۲ خورشیدی، ص ۴۸.
- (۳) فکری سلجوقی ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان تعلیقات بر دیباچه دو ست محمد هروی، کابل: ۱۳۴۷ خورشیدی، ص ۷۷.
- (۴) عزیز الدین و کیلی پولزایی، هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر، کابل: ۱۳۴۳ خورشیدی، ص ۴۹.
- (۵) همان نویسنده، همان کتاب...
- (۶) فکر سلجوقی، ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان، تعلیقات بر دیباچه دو ست محمد هروی، کابل: ۱۳۴۷ خورشیدی، ص ۷۷.
- (۷) پروها نه عبدالحی حبیبی، تاریخ خط و نوشته های کهن افغانستان، کابل: انجمن تاریخ و ادب افغانستان، سال ۱۳۵۰ خورشیدی، ص ۱۱۵، ۲۴۴ و ۲۴۵.

